

همه مردان جهان، همه ساله در خیر و عافیت باشید.

یمانی آل محمد علیه السلام در پاسخ سؤالی فرمودند: هنگامی که محبت علی علیه السلام را در قلب هایتان یافتید، خداوند را به خاطر این نعمت سپاسگزاری کنید که آن نتیجه پاکی ولادت است. امام علی علیه السلام، تنها یک اسم یا شخص نیست که بیش از هزار سال قبل به این دنیا آمده و در بین مردم زندگی کرده است؛ بلکه بوده و هست و همواره خواهد بود و به راستی که علی علیه السلام زنده باطل است.

به نقل از شیخ عبدالعالی منصوری، کتاب گفت و گوی داستانی درباره دعوت مبارک یمانی، ج ۱



معترضان به خلفای خدا

قسمت دوم

تصور اهل سنت از مهدی علیه السلام

قسمت سوم

مجمع آیات خدا

امشب پدر عدالت می آید...

معرفی کتاب شرح شرائع الاسلام (احکام نورانی اسلام)

ده راهکار معرفتی از شیخ ناظم عقیلی

قانون شناخت حجت های الهی

آدم، مردی از نسل هومو ساپینس های مهاجر

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- ۳.....امشب پدر عدالت می آید.....
- ۵.....تصور اهل سنت از مهدی، قسمت سوم.....
- ۸.....معترضان به خلفای خدا، قسمت دوم.....
- ۱۱.....ده راهکار معرفتی از شیخ ناظم عقیلی.....
- ۱۶.....معرفی کتاب شرح شرائع الاسلام (احکام نورانی اسلام).....
- ۱۸.....آدم، مردی از نسل هوموساپینس های مهاجر.....
- ۱۹.....مجمع آیات خدا.....



هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۲۰، جمعه ۲۲ بهمن ۱۴۰۰،
۹ رجب ۱۴۴۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۲
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:
WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله
الطاهرين



امشب، پدرِ عدالت می آید...

دیوارهای خانه خدا (کعبه) شکافت و فاطمه به درون خانه رفت و دیوار به هم بر آمد. فاطمه پس از سه روز بیرون آمد و در حالی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در آغوش داشت، گفت من به خانه خدا وارد شدم و از میوه های بهشتی و باروبرگ آن ها خوردم و چون خواستم بیرون آیم هاتفی ندا کرد: «ای فاطمه نام او را علی بگذار که او علی است و **خداوند علی الاعلی می فرماید: من نام او را از نام خود گرفتم و به ادب خود تأدیبش کردم و او را به غامض علم خود آگاه گردانیدم و اوست که بت ها را در خانه من می شکند و اوست که در بام خانه ام اذان می گوید و مرا تقدیس و پرستش می نماید. خوشا بر کسی که او را دوست داشته باشد و فرمانش را اطاعت کند و وای بر کسی که با او دشمنی**

امشب در آسمان غوغاست و فرشتگان بین زمین و آسمان در رفت و آمد و فضا، آغشته به عطر بهشتی، گل های سرخ محمدی.

کیفیت ولادت حضرت علی (علیه السلام)

بنا به نوشته مورخین، امام علی (علیه السلام) در روز جمعه ۱۳ رجب سال سی ام عام الفیل و در خانه خدا متولد شدند. پدر آن حضرت ابوطالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف (عموی پیامبر ﷺ) و مادرش هم فاطمه دختر اسد بن هاشم بود. بنابراین امام علی (علیه السلام) از هر دو طرف هاشمی نسب است. در زمان تولد حضرت علی (علیه السلام) به فرمان خدا،

سید احمد الحسن (علیه السلام):

کعبه، قبله نماز و سجود برای خداوند سبحان و متعال است؛ باینکه سجده پیش از آن، برای آدم (علیه السلام) خلیفه و جانشین خدا و حجت او بوده است؛ و حتی سجده برای نوری بوده که در صلب او بوده که همان نور امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

(متشابهات، جلد ۳، سؤال ۸۷)

کرده و از او نافرمانی کند.»

(بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹، ذیل حدیث ۱۱)

به راستی که بزرگ مردی پا به این عرصه جهان مادی گذاشت تا نور خود را بر ظلمت این جهان غالب کند.

دکتر علاء السالم حفظه الله درباره کلام مولایمان می فرمایند:

«خدایا مرا بر طریقی که علی بن ابی طالب را بر آن حیات بخشیدی زنده بدار

زندگی علی بن ابی طالب علیه السلام به چه صورت بوده است؟! و زوایای بخشش های سرشار او چیست؟! علی علیه السلام در یک زاویه از زندگی درخشان خود درب همه خیر (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) بود...

و اگر کسی این طور نبوده و حتی دربی برای علی علیه السلام هم نبوده، باید خود را به سختی بیندازد تا بتواند دربی برای جوانه های از جوانه های علی علیه السلام باشد، همان فرزندان معصوم ایشان (ائمه و مهدیین).

و دست کم باید حرص داشته باشد وجود او (قلب، عمل و گفتارش) دربی باشد برای مقداری از خیر، آن هم متناسب با میزان محبتش به زندگی علی علیه السلام و حضور علی علیه السلام در وجود او!

در غیر این صورت منطقی نیست شخصی از ما این دعا را بخواند و در وجود او ذره ای از زوایای زندگانی علی علیه السلام نباشد و به صورت کامل تهی از خیر و کمال باشد!

(دکتر علاء السالم حفظه الله، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱م)



برادران و خواهران عزیزم، علی از دل کعبه بیرون آمد تا بگوید قلب کعبه منم، احمد الحسن نیز از نجف و شهر علی علیه السلام آمد تا بگوید درختی است که ریشه هایش از قلب علی علیه السلام تغذیه کرده است.

درود خدا بر علی زمانمان سید احمد الحسن علیه السلام.

در وصف عالی قدر بودن مولایمان علی علیه السلام همین بس که سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند:

«هنگامی که محبت علی علیه السلام را در قلب هایتان یافتید، خداوند را به خاطر این نعمت سپاسگزاری کنید که آن نتیجه پاکی ولادت است. امام علی علیه السلام تنها یک اسم یا شخص نیست که بیش از هزار سال قبل به این دنیا آمده و در بین مردم زندگی کرده است؛ بلکه بوده و هست و همواره خواهد بود و به راستی که علی علیه السلام زنده باطل است.»

(گفت و گوی داستانی درباره دعوت مبارک یمانی، ج ۱)

آری به راستی که مقام عظیم رحمانیت و مقام اول امامت شایسته اوست که مرواریدی در صدف ملکوت است.

مولایمان سید احمد الحسن علیه السلام در پیام های اخیر خود نامی را از علی علیه السلام بر قلم جاری کردند و درخواستی از خداوند منان داشتند، ایشان فرمودند:

«خدایا مرا بر طریقی که علی بن ابی طالب را بر آن حیات بخشیدی زنده بدار و مرا بر راهی که علی بن ابی طالب بر آن مُرد بمیران.»

(سید احمد الحسن، صفحه فیس بوک، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱م)

سید احمد الحسن علیه السلام:

نخستین قبیله ای که فرشتگان روی به سویش آوردند، علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ بنابراین قبیله حقیقی، کعبه و سنگ ها نیست؛ بلکه آن گوهری است که کعبه به دنیايش آورد و او، همان ولی خدا و حجت تام الهی، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(متشابهات، جلد ۳، سؤال ۸۷)



تصور اهل سنت از مهدی، قسمت سوم

ادعای اینکه «بخاری» و «مسلم» از «مهدی» یادی نکرده اند

و امامتان نیز از خود شما وجود داشته باشد. [۱]
و مشابه همین لفظ که وارد شده است: «چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم بین شما نازل شود و امامتان هم در میان شما باشد.» [۲]
همچنین مسلم در صحیح خود از جابر روایت کرده که از پیامبر شنیده که فرموده است: «پیوسته گروهی از امت که بر پایه حق می‌جنگند تا روز قیامت پیروز هستند.» فرمود:

«پس عیسی بن مریم نازل می‌شود. امیر آنان می‌گوید: پیش بایست و برای ما نماز به جا آور. وی خواهد گفت: خیر! برخی از شما بر دیگران از این امت امیر هستند؛ این گرامیداشتی از سوی خداوند بر این امت است.» [۳]

طبق گفته عبدالمحسن عباد، این احادیث که از دو کتاب صحیح آورده ام دو وجه دارد؛ دومی این است: «اینکه حضور امیر آنان برای پیش‌نمازی مسلمانان و درخواست او از عیسی هنگام نزولش که برای نماز

در مقاله پیشین به ادعای ضعیف بودن احادیث مهدی در کتب اهل سنت پاسخ دادیم و بیان شد احادیثی که از مهدی یاد کرده‌اند، صحیح و متواتر هستند.

و در این مقاله به اشکال اینکه بخاری و مسلم از مهدی یادی نکرده‌اند، پاسخ خواهیم داد.

علمای اهل سنت که به ثبوت احادیث مهدی اعتقاد داشتند، به کسانی که ادعا می‌کردند بخاری و مسلم هیچ یک از احادیث مهدی را روایت نکرده‌اند چنین پاسخ داده‌اند که آن دو نفر در کتاب‌های صحیح خود احادیث متعلق به مهدی را آورده‌اند. آنچه بخاری در صحیح خود در باب نزول عیسی بن مریم از ابوه‌ریره نوشته است و آنچه مسلم در صحیح خود در فصل «ایمان» کتاب خود از ابوه‌ریره نقل کرده است که رسول خدا فرمودند: «چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم بین شما نازل شود

سید احمد الحسن (علیه السلام):

فرمانروایی مخصوص خداوند است و هیچ فردی حق دخالت در فرمانروایی خداوند را ندارد، مگر با اجازه او.

(عقاید اسلام)

اهل علم نمی گوید که نبودن حدیثی در دو کتاب صحیح، دلیل بر ضعف آن است. همچنین، احادیث صحیح در آنچه بخاری و مسلم روایت کرده اند خلاصه نمی شود. [۷]

تویجری چنین پاسخ داده است:

وجه دوم: این دو شیخ (مسلم و بخاری) تمام احادیث صحیح را در کتاب های صحیح خود گردآوری نکرده و اصلاً به چنین چیزی ملتزم نبوده اند! حافظ بن حجر در مقدمه کتاب فتح الباری گفته است: اسماعیلی از او یعنی **بخاری نقل کرده است که گفته است: «جز حدیث صحیح در این کتاب نیاوردم و آنچه از احادیث صحیح ترک گفته ام بسیار است.»**

ابو احمد بن عدی گفته است از حسن بن حسین بزار شنیدم که گفت از ابراهیم معقل نسفی شنیدم که گفت: شنیدم بخاری می گفت: «در کتابم الجامع جز حدیث صحیح وارد نکردم و احادیث صحیحی را به جهت طولانی نشدن کلام ترک گفتم.» مسلم در صحیح خود در باب «تشهد در نماز» گفته است: «تمام آنچه در نظرم صحیح می نمود در اینجا نیاورده ام؛ بلکه تنها آن چیزی را آوردم که بر آن اجماع کرده بودند.»

ابو عمر بن صلاح در کتاب خود «علوم حدیث» گفته است:

کتاب های بخاری و مسلم بعد از کتاب خداوند عزیز صحیح ترین کتاب هاست! تا آنجا که می گوید: آن دو، تمام احادیث صحیح را در کتاب های صحیح خود گردآوری نکرده و به آن نیز ملتزم نبوده اند. از بخاری برای ما نقل کرده اند که گفته است جز حدیث صحیح در کتاب خود نیاوردم و به جهت طولانی نشدن مطلب، احادیث صحیحی را ترک گفتم؛ و از مسلم برای ما روایت شده است که گفته تمامی آنچه در نظرم صحیح می نمود اینجا نیاورده ام؛ بلکه تنها آن چیزی را آوردم که بر آن متفق بودند؛ به علاوه ابن صلاح یادآوری می کند که کتاب «مستدرک بر دو صحیح» از حاکم (نیشابوری) شامل بسیاری از احادیثی است که آن دو شیخ نقل نکرده اند. [۸]

پیش بایستد، بر صالح بودن و هدایت یافتگی این امیر دلالت می کند؛ حتی اگر بر لفظ مهدی صراحت نداشته باشد، جز این نیست که به صفات مردی صالح رهنمون می شود که امامت مسلمین را در آن زمان عهده دار است. احادیث دیگری در کتاب های سنن، مسند و دیگر کتاب ها آمده است که این احادیث وارد شده در کتاب های «صحیح» را تفسیر می کند و دلالت دارد بر اینکه آن مرد صالح، محمد بن عبدالله نامیده می شود و به او مهدی می گویند. بخشی از سنت، بخش دیگر را تفسیر می کند. از جمله احادیثی که به این حدیث دلالت می کند، حدیثی است که حارث بن ابواسامه در مسند خود از جابر نقل کرده که گفته است: پیامبر ﷺ فرمود: «پس عیسی بن مریم نازل می شود. امیر آنان می گوید: پیش بایست و برای ما نماز به جا آور. پس وی خواهد گفت: خیر! برخی از شما بر برخی امیر هستند؛ این گرامیداشتی است از سوی خداوند بر این امت.» ابن قیم در کتاب منار المنیف در رابطه با این حدیث گفته است: «سندش محکم است...» تا انتها.

این حدیث بر این مطلب دلالت دارد که آن امیر مذکور در صحیح مسلم که از عیسی بن مریم علیه الصلوة و السلام می خواهد به عنوان پیش نماز بایستد، همان کسی است که به او مهدی گفته می شود. [۴] این راهی است که عبدالمحسن عباد رفته است. شیخ شنقیتی از قول او درباره تمام محدثان چنین سخنی را می گوید:

«آنچه تمام محدثان بر آن اتفاق نظر دارند این است: امامی که در هر دو کتاب صحیح، اشاره شده، همان مهدی منتظر است؛ به دلیل احادیثی که در جاهای دیگر به آن تصریح کرده است؛ همان طور که معروف است.» [۵]

و حقیقت این است که بسیاری از مدرسین که این پژوهش گنجایش بیان تحقیقاتشان را ندارد، شبیه چنین سخنی را گفته اند یا همین راه را پیموده اند. [۶] این شبیه را محمد اسماعیل مقدم چندین مرتبه پاسخ داده است؛ از جمله آن ها، چیزی است که پیش از این ذکر کردیم؛ اینکه **هر دو کتاب صحیح، بدون اینکه به صراحت اسمی ببرند به مهدی اشاره می کنند؛ و از جمله این پاسخ ها اینکه هیچ یک از**

سید احمد الحسن ر.ه.س:

اصل ثابت، همان خلافت خداوند در زمین با تعیین الهی است و اینکه در هر زمانی، خداوند در زمین جانشینی دارد که خودش او را تعیین می کند. این موضوع، سنت خداوند سبحان و متعال است. (عقاید اسلام)



در مقاله بعدی به ادعای نبودن نام مهدی در قرآن خواهیم پرداخت و اینکه آیا این ادعا صحت دارد؟

نتیجه

اینکه هر دو کتاب صحیح، بدون اینکه به صراحت اسمی ببرند به مهدی اشاره می‌کنند؛ و اینکه هیچ یک از اهل علم نمی‌گویند که نبودن حدیثی در دو کتاب صحیح، دلیل بر ضعف آن است، همچنین احادیث صحیح در آنچه بخاری و مسلم روایت کرده‌اند خلاصه نمی‌شود.

پی‌نوشت:

[۱] تصور سنی از مهدی منتظر بین عقیده و متون، دکتر عبدالرزاق دیراوی، ص ۳۴-۳۷.



منابع:

۱. صحیح بخاری، اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزیه البخاری الجعفی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱/۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۱۴۳، و الجامع الصحیح أصحیح مسلم، مسلم بن الحجاج نیشابوری، دار القرآن، بیروت، ج ۱، ص ۹۴.
۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.
۳. همان منبع، ص ۹۵.
- ۴- کتب و رسائل عبدالمحسن بن حمد العباد البدر، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.
۵. رساله الجواب المقنع المحرر فی الرد علی من طغی و تجبر بدعوی أنه عیسی أو المهدي المنتظر، ص ۱۰.
۶. به عنوان نمونه، أشرط الساعة، العلامات الكبرى، ماهر أحمد الصوفي، مكتبة العصرية، صیدا، بیروت، ۲۰۱۰ ۱۴۳۱، ص ۳۵.
۷. مراجعه شود به المهدي، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.
۸. الاحتجاج بالأثر علی من أنكر المهدي المنتظر، ص ۵۹ و ۶۰.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

این مسئله (جانشینی خداوند) تا محمد ﷺ به عنوان سنت الهی جاری ادامه داشته است و پس از محمد ﷺ نیز ادامه دارد؛ تا اینکه خداوند، زمین و افرادی را که بر آن هستند، به ارث ببرد و خلافت الهی با وجود آخرین مکلفین در این زمین به پایان رسد.
(عقاید اسلام)



معارضان به خلفای خدا، قسمت دوم

قانون شناخت حجت های الهی

حجت هایش بر خلقش در تمام زمان ها هستند تا آنگاه که خداوند، زمین و هرکسی را که بر آن است به ارث ببرد. سنت خداوند هرگز تغییر نمی کند و هرگز تبدیلی نمی یابد و از آنجایی که غایت خلق با شناخت خلفا حاصل می شود، پس محکم کردن قانون الهی از سوی خداوند سبحان به گونه ای خواهد بود که با آن غایت برتر همسو باشد؛ و چگونه چنین نباشد در حالی که این غایت، شناخت خداوند است و این، همان آغاز است و همان پایان...

آنچه همه درباره پیشینه روز اولی که خداوند، خلیفه و جانشینش را در زمینش قرار داد اتفاق نظر دارند این است که:

۱. خداوند در حضور فرشتگان و ابلیس به آدم تصریح فرمود؛ اینکه او خلیفه و جانشینش در زمینش است.
۲. پس از اینکه خداوند، آدم را آفرید همه نام ها را به او تعلیم داد.
۳. سپس خداوند به همه کسانی که در آن هنگام او را می پرستیدند - یعنی فرشتگان و ابلیس - دستور داد به آدم سجده کنند.

آیا خداوند سبحان، قانونی برای شناخت خلیفه اش در زمینش وضع فرموده است؟

گمان نمی کنم هیچ فرد عاقلی که در نعمت های خداوند تأمل می کند از پاسخ دادن به این پرسش، شانه خالی کند؛ خصوصاً با توجه به اینکه **بازگشت** مورد رضایت خداوند سبحان جز با شناخت جانشین خدا در زمینش و پیروی از او میسر نمی شود، و خطور هر چیز دیگری به ذهن، به معنای نسبت دادن غیر از حکمت، به خداوند متعال است؛ و خداوند از چنین نسبتی بسی والاتر است.

از آنجا که حکمت خداوند سبحان، وجود قانونی الهی را اقتضا می کند که خلق خود را با حجتش آشنا سازد، پس او تبارک و تعالی همان کسی است که این قانون را از روی رحمت برای بندگانش وضع می کند؛ زیرا کسانی که این قانون برای شناختشان وضع می شود خلفا و جانشینان او در زمینش و

سید احمد الحسن علیه السلام:

در خصوص موضوع صحابه پیامبر علیه السلام نیز ما کسانی را که بر وصیت های پیامبر علیه السلام درباره کتاب و عترت ثابت قدم ماندند، محترم و مقدس می شماریم. ما فقط کسانی را که با کتاب و عترت از در مخالفت و سرپیچی وارد شدند نکوهش می کنیم. پیامبر علیه السلام بر انحراف برخی اصحاب پس از خودش تصریح فرموده است. (پاسخ های روشن گرانه، ج ۳، ص ۲۳۴)

همه حجت های الهی با این قانون محکم آمده و به خدا دعوت کرده اند، چه نبی بوده باشند و چه اوصیای قومشان. قانون شناخت حجت یعنی «نص الهی آشکار» که خلیفه پیشین از طریق وصیتی الهی، خلیفه پس از خود را با اسم و صفت ذکر می کند؛ «علمی» که خداوند مخصوصشان گردانیده؛ و در نهایت «فرمان خداوند سبحان به خلقش برای اطاعت از آنان». نوح علیه السلام همین قانون را برای قومش آورد، و نیز ابراهیم و موسی و عیسی و محمد و علی و خاندان پاک و مطهرشان که برخی از آنان به سوی پروردگارشان شتافته اند و برخی دیگر که خداوند با آنان بر زمین و هر کس که بر آن است تا برپایی روز دین حکم خواهد راند؛ صلوات و سلام خداوند بر همه آنان....

دیگر کدام حجت برای منافقان و منکران لجوج باقی می ماند؛ کسانی که سینه شان از حسادت به آنچه خداوند مخصوص حجت های پاکش قرار داده و فضیلتی که تنها به آنان داده به تنگ آمده است؛

حق تعالی می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [بقره، ۳۰] (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه ای قرار می دهم. گفتند: آیا کسی را قرار می دهی که در آنجا فساد کند و خون ها بریزد و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم؟! گفت: آنچه من می دانم، شما نمی دانید)، ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [بقره، ۳۱] (و تمام نام ها را به آدم بیاموخت. سپس آن ها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می گوئید، اسامی این ها را به من خبر دهید)، ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ [احجر، ۲۹] (چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بيفتید) و ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾ [كهف، ۵۰] (و آنگاه که به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید همه سجده کردند، به جز ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سربیزی کرد. آیا او و فرزندان او را به جای من به دوستی می گیرید حال آنکه آن ها دشمن شمايند؟ ظالمان چه جایگزین بدی را به جای خدا برگزیدند).

این نکات سه گانه، قانون خداوند سبحان و متعال برای شناخت حجت بر مردم و جانشین خداوند در زمینش است. این نکات سه گانه، قانونی است که خداوند سبحان و متعال از همان روز اول، برای شناخت خلیفه و جانشینش، سنت قرار داده است و این سنت الهی تا پایان دنیا و برپاشدن ساعت ادامه خواهد داشت.

﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ [احزاب، ۶۲] (این سنت خداوند است که در میان پیشینیان نیز بود و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت).

سید احمد الحسن علیه السلام:

بخاری در صحیح خود (ج ۷، ص ۲۰۶) می نویسد: مغیره گفت: از ابواصل از عبدالله شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من پیشاپیش شما بر حوض وارد می شوم و سپس مردانی از شما را می شناسم که از من جدا می کنند و می گویم: خدایا! این ها صحابه من هستند. جواب می آید: تو نمی دانی که این ها بعد از تو چه بدعت هایی گذاشتند.»

(پاسخ های روشن گرانه، جلد ۳، سؤال ۲۹۲)

خودش اختصاص داده و امر تنصیب خلیفه اش را به دست خود انجام داده است. کسی نمی تواند مدعی شود؛ وگرنه خداوند کمرش را می شکند و عمرش را تباه می سازد؛ حتی از همان لحظه ای که مدعی چنین موقعیتی که تعلقی به او ندارد شود رسوا خواهد شد. چرا چنین نباشد در حالی که خالق که نیستی پدید آورد درباره حبیش و سرور انبیا و فرستادگانش می فرماید: ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلَ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ [حاقه، ۴۴ تا ۴۶] (اگر پاره ای سخنان را به افترا بر ما ببندد * با قدرت او را فرو می گیریم * سپس شاهرگ قلبش را پاره می کنیم).

بر همین اساس امامان هدایت الهی به کسانی که درباره معیار شناخت امام سؤال می کردند با وصیت مقدس و علم پاسخ می دادند... وصیت مقدس، کتابی است مهر شده و فرو فرستاده شده از آسمان که حجت وصیت کننده، هیچ دخل و تصرفی در تعیین اوصیای مذکور در آن ندارد... والحمد لله وحده...

برگرفته از کتاب معترضان به خلفای الهی نوشته دکتر علاء سالم حفظه الله



﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْجَمَّةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ [نساء، ۵۴]

(یا بر مردم به خاطر نعمتی که خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است حسد می برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگ ارزانی شان داشتیم)؛ در حالی که می خواهند حق اوصیا و وصیت و علم الهی را که پروردگارشان مخصوص آنها قرار داده است انکار کنند.

امیرالمؤمنین می فرماید: «هیچ یک از این امت با آل محمد قیاس نشود، و آنان که همواره از نعمت وجود ایشان بهره مند بوده اند هرگز با آنان برابر نشوند. آنها اساس دین و ستون های یقین هستند. غلوکنندگان در دین، برای نجات از هلاکت به ایشان باز می گردند و عقب ماندگان که شأن و منزلت ایشان را تنزل داده اند برای نجات از گمراهی به آنها ملحق می شوند. حق ولایت، مخصوص ایشان است و وصایت و وراثت تنها در آنهاست». [نهج البلاغه؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۱۷]

قابل ذکر است که قانون خدا درباره حجت هایش و میزان او در خلفایش در خصوص صاحبش به خطا نمی رود و هیچ مدعی باطلی آن را زمزمه نمی کند؛ زیرا هر تلاشی که انجام دهد و هر دروغی که ببافد ناگزیر جز رسوایی و هلاکت نصیبش نخواهد شد. آیا جز این است که تلاش او دروغ و روزگارش محدود و شمرده شده است؟ و این موقعیت الهی خطیر را که خداوند سبحان به

سید احمد الحسن (علیه السلام):

با توجه به آنچه در روایات سابق آمده است: «... از روزی که از آنان جدا شدی همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی گشتند، پس از پیامبر هیچ ارتداد فوری و بی درنگی به جز ارتداد از خلافت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و مخالفت با کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نص و صراحت بر او در دهها موضع، ارتداد دیگری وجود نداشته است.

(پاسخ های روشن گرانه، جلد ۳، سؤال ۲۹۲)





ده راهکار معرفتی از شیخ ناظم عقیلی

چه کار کنیم که خیری در نماز و روزه ما باشد؟

ده راهکار عملی از شیخ ناظم عقیلی برای ارتقای معرفتی انسان

مطلبی خواندنی که هم اکنون برای اولین بار به زبان فارسی منتشر می شود

در ادامه، این برادر انصاری از شیخ ناظم عقیلی راهکار خواسته و می گوید چطور می توانم در کنار نماز و عبادات خود، این ویژگی ها را هم داشته باشم. شیخ ناظم عقیلی در پاسخ این سؤال، به بیان ده راهکار عملی می پردازند که بسیار زیبا و خواندنی و تکان دهنده است. متن این پرسش و پاسخ را در ادامه می خوانیم:

سؤال:

امام احمد الحسن (علیه السلام) در پستی که در صفحه مبارک فیس بوک قرار دادند چنین نوشتند:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

در آستانه ماه رمضان سه سال پیش، امام احمد الحسن (علیه السلام) پیامی را در صفحه مبارک فیس بوک منتشر کردند.

این پیام مضمونی اخلاقی و معرفتی داشت و امام احمد الحسن (علیه السلام) در این پیام، ۱۲ ویژگی را برشمرده و فرموده بودند اگر انسان هریک از این ویژگی های دوازده گانه را نداشته باشد، خیری در نماز و روزه و عبادت او نخواهد بود.

در همان ایام، یکی از انصار امام مهدی (علیه السلام) خطاب به نماینده امام احمد الحسن، شیخ ناظم عقیلی، و با اشاره به این پیام امام احمد الحسن، می گوید ما از ویژگی های دوازده گانه ای که در کلام امام احمد الحسن آمده، بی بهره هستیم، و طبیعتاً این بدین معناست که خیری در عبادات ما وجود ندارد!

سید احمد الحسن (علیه السلام):

به طور ساده و به دور از هر پیچیدگی، عبادت خداوند سبحان و متعال یعنی اطاعت از خداوند و سرپردن به امرها و نهی های او.

(گزیده ای از تفسیر سوره فاتحه)



۴. اگر [نماز و روزه و عبادت] تو را از غیبت کردن و سخن چینی و جدال و بحث بی ثمر ممانعت نکند.

۵. اگر [نماز و روزه و عبادت] در صورت لزوم، به تو احساس ندامت و پشیمانی و معذرت خواهی آن هنگام که خود را مقصر ببینی، ندهد.

۶. اگر اطرافت را با قناعت و کفایت کردن به آنچه خداوند برایت نوشته [مقدر کرده] است، لبریز نکند.

۷. اگر شادی و خوشبختی خود را با دیگران تقسیم نکنی و آرزوی خوشبختی برای آن‌ها نکنی.

۸. اگر با آن که در تنگدستی است از آنچه خداوند به فضل خود به تو داده است، عطا نکنی.

۹. اگر عمل تو را محکم و ادای واجبات را به نحو احسن قرار ندهد.

۱۰. اگر دلت را از یقین و اطمینان پر نکند.

۱۱. اگر تو را به خدا نزدیک نکند و درهای ملکوت را به رویت باز نکند.

۱۲. اگر تو را آن گونه نکند که حداقل سعی کنی اخلاقت را خدایی کنی.

مطابق این پیام، امام ۱۲ شرط را برشمرده که باید این شروط باشند تا بتوان گفت که در نماز و روزه و سایر عبادات خیری وجود دارد.

بسیار خوب، ما الآن با شروطی آشنا شده ایم که اگر این شروط مهیا نباشند عبادات قبول نمی شود.

سؤال: چگونه نماز بخوانم تا این شروط تکمیل شود؟

درباره خودم سخن می گویم که نماز برنامه روزانه ام است؛ به این معنا که تلاش می کنم که ارتباط معنوی داشته باشم اما بی فایده است و در نماز یا در عبادت حواسم نیست و مشغول امور دنیوی هستم. راه حل این مشکل چیست؟ با تشکر.

با نزدیکی ماه رمضان...

خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (در بسیاری از نجوای آنان خیری نیست؛ مگر کسی که به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم، فرمان دهد؛ و هرکس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد). [نساء، ۱۱۴]

هیچ خیری در فراوانی نماز و روزه و عبادت نیست:

۱. اگر تو را به سمت انصاف و ملاحظه با دیگران هرچه با تو کرده باشند سوق ندهد، حتی با دشمنانت؛ خداوند با ابلیس، انصاف روا داشت و به او این فرصت را داد تا نظرش را بدهد و مهلتی به او داد تا وعده خود را انجام دهد:

﴿قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ * قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ * قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَقْعَدَنَّ لَهُمُ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

(خداوند فرمود: چون تو را به سجده امر کردم، چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتشی آفریدی و او را از گِل آفریدی. * فرمود: از آن فرو شو! تو را نرسد که در آن جایگاه تکبر نمایی؛ پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی. * گفت: مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. * فرمود: تو از مهلت یافتگانی. * گفت: پس به سبب آن کسی که مرا به بیراهه افکندی، من هم برای آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست). [اعراف، ۱۲ تا ۱۶]

۲. [و هیچ خیری در فراوانی نماز و روزه و عبادت نیست] اگر این عبادات دیواری در برابر حرام های خداوند و حرام های دیگران [محارم] و ناموسشان برای تو نکشد.

۳. اگر در برابر دروغ گفتن در تو احساس نفرت ایجاد نکند؛ بهتان و دروغ بستن که جای خود را دارد.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

حال که عبادت به طور سادگی به معنی اطاعت است، هرکس خدا را اطاعت کند بنده خداست و هرکس خدا را اطاعت نکند، خداوند سبحان و متعال را بندگی نمی کند؛ حتی اگر در ابتدا از او چیزی ظاهر شده باشد که بر اطاعت از خدا دلالت کند.

(گزیده ای از تفسیر سورة فاتحه)



پاسخ شیخ ناظم عقیلی (حفظه الله):

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته
زنده باشی عزیزم!

۱. اهتمام به مراقبه و حساب بردن از خداوند سبحان و تلاش برای اینکه بتوان در این فرصت، کم کم به بالاترین مقام ها دست یافت؛ پس باید همواره و هنگام هر کار یا سخن یا اندیشه ای، در محضر خداوند باشی و از او حساب ببری و مراقبه داشته باشی، و هرگاه از مراقبه غافل شدی استغفار و توبه کنی.

با پایبندی به این امور، انسان در مسیر تکاملی به سوی کمال و رهایی از سربازان جهل و تاریکی خواهد بود.

و این، نزدیکی به خداوند سبحان و ارتباط با او را به دنبال دارد.

از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمود: «نشانه انسان خاشع چهار چیز است: مراقبه و حساب بردن از خداوند و مراقب دیدن او در پنهان و آشکار، انجام کار نیک و اندیشیدن برای روز قیامت و مناجات با خداوند.»

۲. قلب انسان محبت خداوند متعال را حس کند؛ تا آنجا که خداوند دوست داشتنی ترین چیز برای تو باشد. در آن هنگام تو از هر مجلسی که تو را به یاد محبوبت نمی اندازد وحشت می کنی و در انتظار فرصتی می گردی تا با او خلوت کرده و مناجات کنی.

۳. انسان همواره باید به سایه لطف و رحمت الهی پناه ببرد؛ زیرا جز خداوند بلند مرتبه کسی وجود ندارد که بلا را از انسان دور سازد؛ همان گونه که در دعای مشلول آمده:

«... یا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، یا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي، یا مُؤَيِّسِي فِي وَحْدَتِي، یا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، یا كَهْفِي حِينَ تَغْيِينِي الْمَذَاهِبَ، وَتُسَلِّمُنِي الْأَقَارِبَ، وَيَخْدُلُنِي كُلَّ صَاحِبٍ یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، یا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ، یا جِرَّ مَنْ لَا جِرَّ لَهُ، یا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ، یا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، یا زُكْنَ مَنْ لَا زُكْنَ لَهُ یا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، یا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ یا جَارِيَ اللَّصِيقِ، یا زُكْنِيَ الْوَثِيقِ، یا إِلَهِي بِالْحَقِّيقِ، یا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، یا شَفِيقُ یا رَفِيقُ، فَكُنْ بِي مِنْ خَلْقِ الْمُضِيقِ، وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَضِيقٍ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا لَا أُطِيقُ، وَأَعِنِّي عَلَى مَا أُطِيقُ...»

«ای دارایی من هنگام به سختی افتادنم، ای نگهبان

به طور کلی مسئله دوری انسان نسبت به ترس از خداوند یا خشوع در نماز اساساً، به این مسائل برمی گردد:

آراسته شدن به سربازان جهل و فرورفتن در منیت و شهوات و اخلاق زشت و ظلم کردن به مردم و سستی و کوتاهی کردن در انجام واجبات و دوری از محرمات و امثال آن.

در نتیجه هرچه انسان میزان بیشتری از سربازان جهل را داشته باشد، حجاب های قلب او بیشتر می شود، و این موجب می شود تا بین او و بین ارتباط او با خداوند و نیز ترس از خدا و مراقبه [و حساب بردن از خدا] مانعی به وجود بیاید؛ زیرا سربازان جهل عبارت اند از حجاب های ظلمانی که میان صاحب آن ها و نور جدایی می اندازند که طبیعتاً باعث تنگی سینه و نابودی فهم می شود ... به خداوند پناه می بریم.

راه های بسیاری برای دوری از حجاب های ظلمانی و سربازان جهل یا رهایی از آن ها وجود دارد که بعضی از آن ها را به طور خلاصه و به عنوان مثال ذکر می کنیم و منحصر در این تعداد نیستند:



سید احمد الحسن (رحمه الله):

شخص ظاهر بین گمان می کند پشت کردن یا رفتن جهل در جهت اطاعت از فرمان خداوند بود؛ ولی اگر کمی تدبر و دقت کنیم درمی یابیم که در واقع اطاعت از هوای نفس خودش بود؛ درست مانند عبادت ابلیس که تکبر و معصیتش از او پیشی گرفت.
(گزیده ای از تفسیر سورة فاتحه)



انسان موفق نشود که دوست خود را به سمت خیر و صلاح تغییر دهد زیان خواهد دید؛ در حالی که غالباً صفات ناپسند از دوست بد کسب می‌شوند. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که به سفیان ثوری چنین سفارش نمود:

«... با فاجر هم نشینی مکن؛ چرا که از کارهای بدش به تو می‌آموزد؛ و در کارت با کسانی مشورت کن

که خدا ترس هستند.» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیشتر برایم بگویید. پس به من فرمود: «ای سفیان، کسی که بدون نیاز به قبيله، خواهان عزت است و بدون نیاز به مال و ثروت، خواهان بی‌نیازی است و بدون نیاز به سلطه، خواهان هیبت است، چنین شخصی باید از خواری نافرمانی خداوند به عزت اطاعت از او در آید.» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیشتر برایم بگویید.

به من فرمود: «ای سفیان، پدرم (علیه السلام) مرا به سه چیز امر کرد و مرا از سه چیز بازداشت؛ در آنچه به من فرمود این بود که: «فرزندم، کسی که با هم نشین بد بنشیند سالم نمی‌ماند و کسی که به جایگاه‌های بد وارد شود متهم می‌شود و کسی که صاحب زبان خود نباشد پشیمان می‌شود.»

سپس این دو بیت شعر را برایم خواند: «زبانت را به سخن نیک عادت بده تا از آن بهره‌مند شوی / زیرا زبان به آنچه عادتش داده‌ای معتاد می‌شود. زبان (به تو) واگذار شده برای طلب آنچه برایش در خیر و شر - به عنوان روش قرار داده‌ای / پس بین چگونه زبانت را عادت می‌دهی» و نیز شاعر گفته:

«و نزدیکی فرد سالمی به بیمارگر سود نمی‌بخشد / اما فرد سالم دچار بیماری گری می‌شود.»

۶. عادت داشتن به حضور در خانه‌های خداوند سبحان (مساجد) و مشارکت داشتن در برپایی و احیای شعائر الهی و مداومت داشتن بر زیارت ضریح‌های پیامبران و امامان (علیهم السلام)؛ چرا که این کار، بر نفس انسان و ارتباط نفس با خداوند متعال اثری بزرگ دارد.

۷. خیرخواهی برای مردم و یاری دادن آن‌ها و نیکی کردن دائمی به آن‌ها بدون آنکه توقع هرگونه پاداش یا سود یا تشکری وجود داشته

من هنگام غربتم، ای مونس من هنگام تنهایی‌ام، ای ولی من هنگام نعمتم، ای پناهگاه من هنگامی که راه‌ها مرا خسته کرده‌اند، و تسلیم کرده‌اند مرا نزدیکان و خوار گردانیده مرا هر هم‌نشینی. ای نگه‌دارنده کسی که نگه‌دارنده‌ای ندارد، ای اعتماد کسی که معتمدی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره‌ای ندارد، ای حرز کسی که حرزی ندارد، ای پناه کسی که پناهی ندارد، ای گنج کسی که گنجی ندارد، ای رکن کسی که رکنی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد، ای پناه‌دهنده کسی که پناه‌دهنده‌ای ندارد، ای همسایه‌ای که در کنار منی، ای رکن محکم و استوار من، یا الهی بالتحقیق، ای پروردگار بیت العتیق، ای مهربان، ای دوست، مرا از تنگنا رها کن و هر اندوه و غم و فشار و تنگنایی را از من دور گردان، و مرا از شر آنچه توان ندارم کفایت کن و یاری‌ام ده بر آنچه توان دارم.»

بنابراین انسان باید مثل کودکی باشد که هنگام هر نیاز یا ترسی به سرعت به سوی پدر و مادرش می‌دود.

۴. یاد کردن نعمت‌های خداوند سبحان؛ زیرا انسان، ذاتاً کسی را که به او احسان و نیکی کند دوست می‌دارد؛ در نتیجه در نماز و غیر آن نسبت به یاد خداوند انس و خشوع خواهد داشت.

۵. هم نشینی با خوبان و دوری از هم نشینی با اشرار و دوستان بد؛ چرا که دوست صالح عمل خیر و اطاعت از خداوند سبحان و انجام دستورات او و امور مورد رضایت او را نزد تو محبوب می‌گرداند؛ در حالی که دوست بد، تو را به اخلاق ناپسند و رویگردانی از خداوند سبحان و دور شدن از اموری همچون نیکی کردن و عبادت و تلاوت قرآن و امثال آن که مورد رضایت خداوند هستند، فرا خوانده یا تشویق می‌کند. و حتی اگر تو را با صراحت به بدی دعوت نکند، [اما] اقتضای قانون مجاورت و هم نشینی، این است که انسان کم‌کم و دانسته یا ندانسته، به صفات وی دست پیدا می‌کند؛ زیرا دو دوست همراه مثل دو مایع روان با دو رنگ مختلف هستند که در یک ظرف ریخته شده‌اند؛ حال یا یکی از رنگ‌ها غلبه می‌کند و دیگری نابود شده و اثر آشکار آن از بین می‌رود، یا اینکه آن دو با یکدیگر مخلوط می‌شوند و تبدیل به مخلوط یا رنگ جدیدی می‌شوند. در نتیجه اگر

سید احمد الحسن (علیه السلام):

هرگز برای انسان به سوی صراط مستقیم، هدایت محقق نمی‌شود و نخواهد شد مادام که هدایتگر را نشناسد و تسلیم او نشود و مطیع فرمانش نگردد.

(گزیده‌ای از تفسیر سورة فاتحه)



نعمت‌های خدا در زندگی دنیا، یا در پرهیزکاری دائمی در طاعت خدا و شکر نعمت‌های او به سر نبردند که خداوند آن نعمت را از ایشان گرفته باشد، مگر پس از دگرگونی خودشان و روی گردانی از طاعت خداوند و ارتکاب گناهان جدید و کم شدن محافظت و کنار گذاشتن مراقبت برای خداوند عزوجل و سهل انگاری در سپاسگزاری نعمت‌های خدا؛ زیرا خدای عزوجل در آیه محکم کتاب خود می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾

(به راستی که خداوند نعمتی را که نزد گروهی است تغییر ندهد تا آنچه را در خودشان هست تغییر دهند، و چون خدا برای گروهی بدی خواهد جلوگیری ندارد، و آن‌ها را در خودشان هست تغییر دهند، و چون خدا برای گروهی بدی خواهد جلوگیری ندارد، و آن‌ها را جز خدا دوستداری نیست). [رعد، ۱۱]

و اگر چنانچه نافرمان‌ها و گنهکاران در آن وقت که از زوال نعمت خدا و رسیدن انتقامش و دگرگون شدن عافیتش بر حذر می‌شدند به این مطلب یقین پیدا می‌کردند که این‌ها از طرف خداست و به واسطه اعمال خود آن‌هاست و در آن حال دست می‌کشیدند و توبه می‌کردند و از روی راستی و صدق و صفا و اعتراف به گناه خویش به درگاه خدای عزوجل پناه می‌بردند، خداوند از همه گناهانشان چشم‌پوشی می‌کرد، و از هر لغزشی که از آن‌ها سر زده بود درمی‌گذشت و هر نعمتی که به آن‌ها اکرام کرده بود بدان‌ها بازمی‌گرداند و هر نوع صلاح کارشان و نیز هر نعمتی را که از ایشان گرفته بود و بر ایشان تباه ساخته بود به ایشان بازمی‌گرداند.

پس ای مردم از خدا آن چنان که باید بترسید، و از خداوند بترسید و یقین خود را خالص کنید، و از کار زشتی که شیطان شما را بدان واداشت توبه کنید - یعنی از جنگ با ولی امر و عالم پس از رسول خدا ﷺ و از همکاری با یکدیگر در پراکنده کردن جمع مسلمانان و از هم پاشیدن کار و تباه ساختن صلاح میان مردم، همانا خدای عزوجل توبه را بپذیرد و از بدی‌ها درگذرد و می‌داند آنچه را انجام دهید.»

(کافی، ج ۸، ص ۲۵۶)

باشد؛ چرا که این از بزرگ‌ترین کارهایی است که موجب رضایت خداوند و به دست آوردن توفیق الهی برای لذت عبادت و مناجات است.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «رسول الله ﷺ فرمود: خلق خانواده خدا هستند؛ پس محبوب‌ترین خلق نزد خداوند کسی است که به خانواده خداوند سود برساند و در اهل خانه‌ای شادی بیاورد.»

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که می‌فرمود: «از رسول الله ﷺ پرسیده شد چه کسی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: کسی که از همه بیشتر به مردم سود می‌رساند.»

۸. عادت داشتن بر سجده زیاد برای خداوند سبحان، مخصوصاً هنگام تجدید هر نعمتی یا دفع هر بدی.

۹. تلاوت قرآن کریم و خواندن دعا‌هایی که از اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده است؛ مثل دعای ابو حمزه ثمالی و دعای کمیل و دعای جوشن صغیر و کبیر و دعا‌های صحیفه سجاده و ...

۱۰. و پایه و اساس تمام آنچه ذکر شد همان شناخت و دوستی نسبت به خلیفه خداوند در زمین است ... و اهتمام بر یاری او و پرورش دادن نفس طبق آن ... تا جایی که حقیقتاً به این باور برسی که هدف از خلقت تو و وجود تو در زندگی دنیا فقط همان یاری دادن و تبعیت کردن حجت خداوند در میان بندگان است ...

در نتیجه به اندازه اعتقاد و عمل خالص به همراه حجت خداوند، توفیق عمل به امور مورد رضایت خداوند حاصل می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها خشوع در نماز و حضور قلب هنگام یاد خداوند جل جلاله است.

در پایان، کلامی را از امیرالمؤمنین (علیه السلام) یادآور می‌شوم که در همین خصوص است و سخنی جامع و پر معناست:

از ابوجعفر (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

«به خدا قسم به راستی که هیچ‌گاه مردمی در خرمی

سید احمد الحسن (علیه السلام):

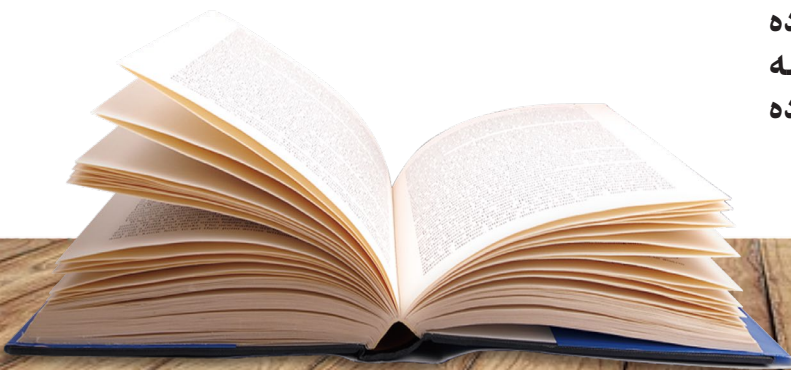
دعا کردن نیرنگ ستمگران را برمی‌گرداند؛ پس باید خدا را بخوانند و به خدا پناه ببرند و دعای جوشن صغیر بخوانند. ترس نیز نعمتی است که باعث پناه بردن و نزدیکی بنده به خدا می‌شود و اینکه بنده بعد از غفلت، او را یاد کند.

(در محضر عبد صالح، ج ۱)

معرفی کتاب شرح شرائع الاسلام (احکام نورانی اسلام)



کتاب «شرائع الاسلام (احکام نورانی اسلام)» در اصل، به عالم شیعی -معروف به محقق حلی (خداوند، رحمتش کند)- باز می‌گردد و سید احمد الحسن، احکام شرعی آن را اصلاح کرده است؛ [احکامی] که بر صاحبش مُشْتَبِه بود. [اصلاح کردن، با] تصحیح و ویرایش و حذف و اضافه و محکم کردن مکان‌های احتمال و مُردَد بودن و مختلف بودن نظرات، در بسیاری از مسائل و دیگر مسائل [بوده است]؛ البته با مطابقت حکم واقعی خداوند که منظور و مورد رضایت خداوند سبحان و متعال بوده است.



به‌طور کلی علمای متقدم شیعه، احکام را از خلال توضیح روایات آل محمد و بیان آن برای مردم بیان می‌کردند؛ تا اینکه به زمان علامه حلی رسید. در قرن ششم هجری، گرفتن اصول از اهل سنت شروع شد.

(ترجمهٔ کلیپ سید واثق حسینی در صفحهٔ فیس‌بوک، ۲۰ مارس ۲۰۱۸)



در هیچ جایی غیر از این از آن استفاده نکردم. طبیعی است، هر آنچه از دیوار این دو پرانتز بیرون است، قطعاً سخن شارح است و پای او حساب می شود. علاوه بر اینکه نسخه الکترونیکی کتاب نیز با رنگها متمایز است. رنگ عبارت متن «شرائع» در تمام جلد های سه گانه سبز است.

دوست دارم به این مطلب نیز اشاره کنم که بنده، فقط نسبت به بیان احکام شرعی که در کتاب «شرائع» آمده است، کفایت نکردم. ولی به آن، همه احکامی را افزودم که سید احمد الحسن، در مجموعه معروف خود به «پاسخ های فقهی» و با تمام جلد های مختلفش، آن را توضیح داده است. علت این مطلب، به اهمیت این مسائل باز می گردد و اینکه مبتلا به است. به همین دلیل خواننده گاهی اوقات می بیند که در افزودن و بیان برخی از مسائل و شرحها، گسترش و توسعه ای رخ داده است که در عبارت «شرائع» نیامده است که این نکته، قابل توجه بود.

این مطلب را از دست نمی دهم که از سید احمد الحسن، نسبت به حمایتش در انجام این شرح تشکر کنم و اینکه بسیاری از مسائل مبهم را برای بنده، در خلال مسیر کار حل کرده است.

در پایان، از خداوند خواستارم که مرا در پیشرفت و گامی به سوی آسان کردن و ساده کردن مسائل فقهی، برای عموم مؤمنین موفق بدارد؛ مخصوصاً اینکه بسیاری اوقات، شرح را با بسیاری از مثال های عملی همراه کردم. امیدوارم که خداوند، برای من و دیگر دوستان، توفیق نگارش کتاب فقهی را بنگارد که آسان و بدون پیچیدگی و اصطلاحات فقهی باشد که فهم آن، برای عموم مؤمنین و مؤمنات آسان باشد و این آرزوی ایشان (درو خداوند بر ایشان) است. والحمد لله رب العالمین.

دکتر علاء سالم

نجف اشرف

۱/ ۱۱/ ۲۰۲۱م

موافق با ۲۵/ ربیع الاول/ ۱۴۴۳ه

[۱۰/ آبان/ ۱۴۰۰]

از این رو که سخن، دارای پیچش و گستردگی است، عبارت کتاب در بسیاری از اوقات، پیچیده است و مقداری اجمال دارد و نیاز به توضیح و بیان دارد. این مسئله، خاصیتی است که در همه کتاب های فقهی پخش شده است. برای اینکه بهره مندی از کتاب «شرائع الاسلام (احکام نورانی اسلام)» عمومی و مرجع خانواده مؤمن شود که در سطح عبادات و معاملات، باعث استقامت و شناخت احکام شرعی می شود. علاوه بر در برگرفتن فایده اش، برای اساتید و طلاب علوم دینی. نام این کتاب، «شرح شرائع الاسلام (شرح احکام نورانی اسلام)» نامیده شد.

کتاب از سه بخش تشکیل شده است که جلد اول، شرح کتاب های «طهارت و نماز و روزه و اعتکاف» را در بر دارد. در حالی که جلد دوم، شرح کتاب های «زکات و خمس و حج و امر به معروف و نهی از منکر» را در بر دارد و سهم جلد سوم، شرح کتاب های «ازدواج و طلاق و خلع و مبارات و ظهار و ایلاء» است.

آنچه در تألیف کتاب های شرح معروف است، این مسئله است که به یکی از دو راه اساسی و اصلی تکیه دارد.

اول: شرح مقطعی و بخش بخش. بدین معنا که شارح، بخشی از متن کتاب شرح داده شده را می گیرد و اقدام به شرح و توضیح منظور از آن می کند. **دوم:** شرح مزجی و مخلوط. بدین معنا که عبارت و جملات شارح، با عبارت نویسنده مخلوط و ممزوج است و اقدام به جداسازی و روشن ساختن منظور از آن می کند. معمولاً عبارت نویسنده در چنین حالتی. با پرانتز مشخص و محصور می شود تا خواننده متوجه شود که هر آنچه از این دو بیرون است، سخن شارح است.

شکی نیست که هر کدام از این دو راه، [نکات] مثبت و منفی ای دارد که اکنون در جایگاه بیان جزئیات آن نیستم؛ ولی در نهایت، راه شرح مزجی را به عنوان ویژگی عمومی و غالب شرح، انتخاب کردم؛ هر چند گاهی اوقات، از طریقه و روش شرح مقطعی و بخش بخش، به سبب ضرورت شدید غافل نشدم. به همین سبب نسبت به استفاده از پرانتزهای ذیل () برای محصور و مشخص کردن عبارت سید احمد الحسن، در تمام سه جلد کتاب رغبت داشتم و

بیان هر مسئله ای، با همراهی با معصوم است؛ به این خاطر که محکم و متشابه را فقط معصوم می داند. به همین دلیل است که می گویند: این احکام ظنی از بین می رود و در زمان وجود معصوم یا نائب و نماینده خاص او، به آن نیازمند نیستیم. همو که تشریح های معصوم را مستقیم از سوی معصوم، برای ما نقل می کند، اجتهاد نمی کند و نظر خویش را بیان نمی کند و به ظن و شک عمل نمی کند.

(ترجمه کلیپ سید واثق حسینی در صفحه فیس بوک، ۲۰ مارس ۲۰۱۸)

آدم، مردی از نسل هوموساپینس های مهاجر



انسان های روی زمین، بلکه اولین انسان های برگزیده بوده اند.

دلیل این کار، توانایی در برقراری ارتباط میان جسم انسان و روح القدس- که در گل انسان دمیده شده بوده است؛ پس مقداری از ماده این جهان به سمت آسمان انفس، رفع داده شد و از طرف دیگر روح از عوالم بالا به این گل رفع داده شده متصل گردید و این جهان انفس، واسطه و محلی برای برقراری ارتباط بین این دو عالم کاملاً متفاوت شد.

اما این گل نمادی بود از هر چیزی در این جهان، تا انسان بتواند از قدرت و شهوت برخوردار شود و در این جهان تولیدمثل و زندگی کند.

سید احمد الحسن در کتاب توهّم بی خدایی می نویسد:

«متون دینی نه تنها هیچ گونه تضادی با علم زیست شناسی و علوم نوین ندارند، بلکه در این متون به حیات زمینی که اکنون بخشی از آن به وسیله سنگواره ها شناسایی شده - یعنی انسان نماها از قبیل برخی گونه های هومو ارکتوس، برخی گونه های هوموساپینس و انسان نئاندرتال- پرداخته شده است؛ با این عنوان که پیش از انسان، انسان نماها و موجوداتی بوده اند که توانایی درک و عقل آنها از انسان کنونی کمتر بوده است.» (سید احمد الحسن،

توهّم بی خدایی، ترجمه فارسی، ص ۱۶۹)

از زمانی که داروین در قرن نوزده، نظریه تکامل خود را ارائه کرد تا امروز، شناخت ما از تاریخچه انسان با استفاده از فسیل شناسی و ژنتیک و علوم دیگر، هر روز رو به تکامل است. انسان امروز به خوبی می داند که اجداد انسان امروزی یا هوموساپینس ها از شرق آفریقا و در پی تکامل از انسان نماهای پیش از خود پدید آمده اند؛ اما سؤالی که این یافته های علمی در پیش روی علمای ادیان قرار داد، سؤال دشواری بود. اگر ما محصول تکامل هستیم و اجداد ما از آفریقا آمده اند، **پس آدم و حوا در کجای این داستان قرار دارند؟**

علم انسان شناسی امروز توانسته رد پای مهاجرت اجداد ما را از تنگه باب المندب در شرق آفریقا به سمت جنوب شبه جزیره عربستان، یا یمن امروزی و در نهایت حرکت به سمت خلیج فارس ردیابی کند؛ ولی تنها کسی که توانسته به این سؤال بزرگ پیش روی ادیان پاسخ قطعی دهد، سید احمد الحسن بوده است.

حقیقت داستان خلقت آدم و حوا نه در این دنیا بلکه در بهشت نفسانی محقق شده است و تمام داستان، انتقال این نفس به انسان هایی برگزیده در میان هوموساپینس های مهاجر از آفریقا بوده است که در واقع برخلاف تصور علما، نه اولین

آیا کسی هست که این جمله را نشنیده باشد: «نظریه تکامل مدعی است انسان از نسل میمون است!» موضوعی که کاملاً اشتباه است. یا «تکامل می خواهد ما را مجاب کند که هرچه می بینیم از روی تصادف است!» این جملات نادرست است ولی متأسفانه برای خود، طرفدارانی دارد! این عبارات از سوی مردان دینی یا پیروان آنها بیان می شود که دلیل آن نیز یا ناآگاهی است یا غرض ورزی؛ که البته نتیجه یکسان است.

(پیشگفتار کتاب توهّم بی خدایی، به قلم دکتر توفیق مسرور)



مجمع آیات خدا

فاطمه بنت اسد آمده آورده اسد
در گشایید نه بل، کعبه گشایید او را

کعبه عاشق شده و سینه گشاده امشب
ماه پایین به زمین آمده را شد شیدا

بهترین علت این عشق همین نام علی است
که بسی گشته در این کون مقامش بالا

تپشی است که انداخته در لرز، جهان
او چو جان دگری است به جسم طاهّا

جان خود فرش کنیدش که زمین ناکافیست
بهر آتی که مقامش شده در عرش اعلی

یکه تازیست که حق کرده طوافش هر بار
بینات است علی، مجمع آیات خدا

چون علی کیست که ملموس به ذات ابدیست
ابدی است همین ذوب به انوار و فنا

دهر چرخیده و تاریخ نوشته ز نخست
کعبه ها باز شده آن کسی در دلها

هان بپرسید ز اصبغ چه روایت کرده،
علی از آن که علی سان شده حامل به لوا؟

هر که بیعت کند امروز علی بایع اوست
حاجت حیدر و طاهّا است قسم گشته روا

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخرالزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.